

تضمین انحصاری دریافت مهریه

«جوان» در گفت‌وگو با کارشناسان حقوقی با هدف آگاهی‌بخشی در حوزه ازدواج چالش‌های حقوقی حق حبس زوجه در عقد نکاح را مورد بررسی قرار داده است

این حق برای زن یک امتیاز قانونی است

کادرش
نبره ساری

امروز قصد داریم در صفحه حقوقی یک نکته مهم حقوقی را که در واقع یک امتیاز قانونی برای خانم‌هاست به صورت گسترده‌تر شرح دهیم؛ امتیاز قانونی که البته نیازمند آگاهی کامل به مصادیق آن است و در عین حال به برخی چالش‌هایی که موجب تزلزل آرا در مورد حق حبس شده است نیز اشاره داشته باشیم.

مقوله ازدواج در هر جامعه‌ای آثار و حقوق منحصر به خودش را دارد و حق حب، یکی از حقوقی است که قانون مدنی کشور ما برای زنان به رسمیت شناخته است. به زبان ساده، وقوع عقد نکاح، مکلف به ایفای همه وظایف مهریه‌ها و تسلیم نشده از ایفای وظایفی که نسبت به همسر خود دارد امتناع کند، به این عمل حق حبس در ازدواج گفته می‌شود که البته دارای شرایطی است که در ادامه توضیح خواهیم داد.

حق حبس یا دو چالش اساسی مواجه است که یکی مربوط به مصادیق وظایف بوده که در مفهوم عام و خاص دارای ابهام است و دیگری در حوزه مهریه‌های سنگینی است که باید به صورت اقساطی پرداخت شود و با تعیین چنین آرای در کنار حق حبس زندگی زوجین سال‌های متمادی به تأخیر می‌افتد.

در خصوص تعیین دایره مصادیق وظایف زوجیت در آرای فقها و حقوقدانان اختلاف نظرانی مشاهده می‌شود. برخی فقها معتقدند زوجه به محض اجرای صیغه و وقوع عقد نکاح، مکلف به ایفای همه وظایف خود است و حق حبس خویش را تنها نسبت به برقراری رابطه زناشویی می‌تواند اعمال کند و برخی دیگر معتقدند تفکیک تمکین عام و خاص از یکدیگر دشوار خواهد بود چرا که ترک هر گونه امتناعی، به معنی ترک زندگی مشترک است.

امروز قصد داریم در صفحه حقوقی یک نکته مهم حقوقی را که در واقع یک امتیاز قانونی برای خانم‌هاست به صورت گسترده‌تر شرح دهیم؛ امتیاز قانونی که البته نیازمند آگاهی کامل به مصادیق آن است و در عین حال به برخی چالش‌هایی که موجب تزلزل آرا در مورد حق حبس شده است نیز اشاره داشته باشیم.

مقوله ازدواج در هر جامعه‌ای آثار و حقوق منحصر به خودش را دارد و حق حب، یکی از حقوقی است که قانون مدنی کشور ما برای زنان به رسمیت شناخته است. به زبان ساده، وقوع عقد نکاح، مکلف به ایفای همه وظایف مهریه‌ها و تسلیم نشده از ایفای وظایفی که نسبت به همسر خود دارد امتناع کند، به این عمل حق حبس در ازدواج گفته می‌شود که البته دارای شرایطی است که در ادامه توضیح خواهیم داد.

حق حبس یا دو چالش اساسی مواجه است که یکی مربوط به مصادیق وظایف بوده که در مفهوم عام و خاص دارای ابهام است و دیگری در حوزه مهریه‌های سنگینی است که باید به صورت اقساطی پرداخت شود و با تعیین چنین آرای در کنار حق حبس زندگی زوجین سال‌های متمادی به تأخیر می‌افتد.

در عقود معاوضی (نظیر عقد بیع که در آن مبیع و ثمن در مقابل هم قرار دارند) هر یک از طرفین معامله می‌توانند از اجرای تعهد خود خودداری کنند تا طرف مقابل به تعهد خود عمل نکند. چنین حقی را در اصطلاح حقوقی «حق حبس» می‌گویند. در واقع «حق حبس» حق امتناعی است که هر یک از طرفین در مقابل طرف دیگر، در صورت عدم تسلیم مورد معامله دارد.

به رغم اختلاف نظرهایی که در خصوص معاوضی بودن عقد نکاح وجود دارد، در عقد نکاح هم قانونگذار در ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی، چنین حقی را به زوجه اعطا کرده و این امتیاز را برای وی پیش‌بینی کرده است که تا زمانی که مهریه را دریافت نکرده، می‌تواند از انجام وظایف خود در مقابل شوهر خودداری کند.

ماده ۱۰۸۵ در این زمینه چنین مقرر داشته است: «زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند، مشروط بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود.» مطابق ماده مذکور که مبتنی بر نظر مشهور فقهای امامیه است، در مواردی که شوهر ضمن عقد نکاح، مهریه زوجه را به صورت حال (بدون تعیین اجل یا مدت برای زمان پرداخت) به عهده گرفته باشد، خانم می‌تواند تا زمانی که شوهر، مهریه را به او تسلیم نکرده است از انجام وظایفی که در مقابل شوهر دارد، خودداری کند.

سه نکته از ماده به دست می‌آید: نخست آنکه اگر مهر به هنگام عقد به صورت مدت‌دار (مؤجل) تعیین شده باشد، حق حبس برای زوجه به وجود نمی‌آید.

دوم اینکه حق حبس صرفاً به زوجه تعلق پیدا می‌کند و شوهر نمی‌تواند به هیچ عنوان بعد از عقد، انجام وظایف خود را به ایفای وظایف توسط همسر موکول کند، در حالی که حق حبسی که در عقود پیش‌بینی شده، دوطرفه و قابل استناد برای هر یکی از طرفین معامله است.

سوم اینکه مطابق ماده مذکور چنین امتناعی حق زوجه بر نفقه را ساقط نخواهد کرد. در روابط میان زوجین در مواردی که هر یک از طرفین وظایف زوجیت را انجام ندهد، عنوان نشوز بر این تخلف اطلاق می‌شود. در مورد زوجه ناشزه، نشوز موجب سقوط تکلیف پرداخت نفقه وی از عهده شوهر در مدت نشوز است، اما در جایی که زوجه از حق حبس خود استفاده می‌کند، عدم ایفای وظایف از جانب او مانعی برای تعلق نفقه به وی نخواهد بود. تبصره ماده ۵۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ نیز امتناع از پرداخت نفقه زوجه‌ای را که به موجب قانون مجاز به عدم تمکین است، مشمول ضمانت اجرای کیفری موضوع این ماده دانسته که استفاده از حق حبس از همین قبیل است.

اما حق امتناع زوجه به موجب ماده ۱۰۸۶ قانون مدنی تا زمانی برای زوجه وجود دارد که وی به اختیار خود به ایفای وظایف مقرر در ماده قبل، اقدام نکرده باشد، البته ایفای وظایف صرفاً حق حبس زوجه را ساقط می‌کند و حق مطالبه مهریه همچنان بر اساس قواعد عام ناظر به سایر مطالبات قانونی برای زوجه محفوظ خواهد بود.

حال که روشن شد با وجود حق حبس، زوجه می‌تواند به حکم قانون از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد، امتناع کند باید دید منظور قانونگذار از تعبیر «وظایف» در دو ماده ۱۰۸۵ و ۱۰۸۶ قانون مدنی چیست؟ عنوان وظایف را به دو شکلی می‌توان تفسیر کرد. از یک منظر وظایف مذکور زوجه، می‌تواند صرفاً ناظر به تمکین خاص باشد و از منظر دیگر، تمامی مصادیق تمکین عام را می‌تواند دربرداشته باشد. به عبارت دقیق‌تر، در مورد مواد مذکور این سؤال مطرح خواهد بود

اختلاف نظر در خصوص مفهوم عام و خاص ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی نسبت به وظایف زوجه در مقابل زوج باعث شده تا شاهد تشتت آرای قضایی باشیم؛ موضوعی که منجر به صدور رأی وحدت رویه شده است. طبق این رأی در صورت حال بودن مهریه، امکان امتناع زن از ایفای مطلق وظایف وجود دارد.

جالب این است حتی همین رأی وحدت رویه نیز به اختلافات صدور آرا پایان نداده است و در موارد محدودی به چشم می‌خورد.

هنوز موضوع مورد نظر حل نشده که رأی وحدت رویه دیگری در مورد حق حبس صادر شده و این رأی در رابطه با معسر بودن یا نبودن زوج و حق حبس است. طبق رأی وحدت رویه عسر و حرج زوج در پرداخت یکجای مهر، حق حبس زوجه را از بین نمی‌برد. این حق در صورتی است که مهریه حال تعیین شود و عندالمطالبه باشد.

آنچه گفته شد خلاصه‌ای از یک امتیاز قانونی برای خانم‌هاست که شرایط خاصی را لازم دارد، از جمله آنکه مهریه حتماً باید حال باشد، نه مدت‌دار و زن تا زمان استفاده از حق حبس، هیچ گونه تمکینی از مرد نکرده باشد، همچنین این حق در خصوص مهریه عندالاستطاعه یا مؤجل این حق قابل اعمال نیست. افزون بر این دختر خانم‌هایی که اقدام به مهریه سنگینی می‌کنند، باید بدانند در صورت اطلاع از عدم تمکن مالی آقا پسر، حق حبس برای آنها از بین می‌رود.

این حق قانونی همچنان با چالش‌هایی مواجه‌است و ادامه دارد. حقوقدانان فعال در عرصه حقوق خصوصی و آگاه نسبت به ماده مذکور، چالش‌های اساسی این مهم را با «جوان» در میان گذاشتند که در ادامه می‌خوانید.

«حق حبس»

امتیازی اختصاصی برای زوجه در عقد نکاح

که آیا زوجه از انجام جمیع تکالیفی که

با عقد نکاح بر عهده‌اش آمده است،

می‌تواند خودداری کند یا اینکه دایره

«وظایف» صرفاً به امتناع از برقراری

رابطه زناشویی محدود می‌شود؟ بدیهی

است در فرض نخست، اگر موضوع حق

حبس را تمامی وظایف بشماریم، در

این صورت، زوجه تا قبل از دریافت

مهریه به خود علاوه بر تمکین خاص،

حتی از سکونت در منزل مشترک و حسن معاشرت نیز معاف خواهد

بود. تعیین مفهوم وظایف زوجیت مقرر در ماده مذکور (که زوجه به

جهت عدم تسلّم مهریه از انجام آن معاف خواهد بود) و تفسیر این

مفهوم به تمکین خاص یا مفهومی اعم از تمکین عام و خاص، در

تعیین حکم دادگاه در دعاوی الزام به تمکین که از سوی شوهر علیه

زوجه مطرح می‌شود، مؤثر است چرا که در مقصود از وظایف

زوجیت اعم از تمکین عام و خاص باشد، در این صورت با آغاز زندگی

مشترک و سکونت زوجه در منزل شوهر، حق حبس از بین می‌رود، اما

اگر مالک اسقاط حق مزبور، از ازاله بکارت زوجه و تمکین خاص باشد، با

استناد زوجه بکاره به حق حبس ولو اینکه به منزل شوهر رفته باشد،

ایفای وظایف محقق نشده و خواسته الزام به تمکین هم علیه زوجه،

محکوم به ردّ خواهد بود.

در خصوص تعیین دایره مصادیق وظایف زوجیت در آرای فقها و

حقوقدانان اختلاف نظرانی مشاهده می‌شود:

برخی بر این عقیده‌اند که صرف تمکین خاص مدنظر است، چرا که حق

حبس در نکاح یک حکم خاص است که نباید تفسیر موسع شود، لذا

در موارد مشکوک (تمکین عام)، اصل بر عدم وجود حق حبس است

و زوجه به محض اجرای صیغه و وقوع عقد نکاح، مکلف به ایفای همه

وظایف خود است و حق حبس خویش را تنها نسبت به برقراری رابطه

زناشویی می‌تواند اعمال کند. در مقابل، برخی معتقدند چنانچه زوجه

را مکلف به سکونت مشترک با زوج و حسن معاشرت با وی بدانیم،

عملاً امکان امتناع از تمکین خاص را نیز از وی سلب کرده‌ایم چرا که

مقدمه چنین امتناعی، ترک زندگی مشترک بوده و تفکیک تمکین

عام و خاص از یکدیگر دشوار است.

گرچه ظاهر ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی با مفهوم عام وظایف زوجه در

مقابل زوج، سازگارتر است ولی از سابقه تاریخی این ماده و نیز قرینه

ماده بعد (که می‌گوید اگر زوجه به اختیار خود نسبت به انجام وظایفی

در مقابل شوهر قیام کند، حق حبس او از بین می‌رود) برمی‌آید که

تنها تمکین خاص مدنظر قانونگذار بوده است چرا که ماهیت تمکین

عام، دوام و استمرار آن در طول زندگی مشترک است و نمی‌توان گفت

که با یک بار انجام دادن، این وظایف ایفا شده است. در حالی که در

مفهوم تمکین خاص با اولین نزدیکی، محقق می‌شود. اختلاف نظر در

خصوص مسئله مزبور منجر به صدور آرای متشتت قضایی نیز شده

بود تا جایی که هیئت عمومی دیوان عالی کشور اقدام به صدور رأی

وحدت رویه (که در حکم قانون است) کرد. در این رأی، ماده ۱۰۸۵

قانون مدنی تفسیر موسع شده و در صورت حال بودن مهریه، امکان

امتناع زن از ایفای مطلق وظایفی را که شرعاً و قانوناً در برابر شوهر

دارد، فراهم کرده است.

فاطمه صالحی نژاد

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی



حق حبس صرفاً به زوجه تعلق پیدا می‌کند و زن می‌تواند تا زمانی که مهریه او تسلیم نشده است از ایفای وظایفی که نسبت به همسر خود دارد، امتناع کند



■ ابهام در مصادیق وظایف عام و خاص (مواد ۱۰۸۵ و ۱۰۸۶)
■ مهریه سنگین و عسر و حرج زوج



■ مهریه حتماً باید حال باشد نه مدت‌دار
■ زن تا زمان استفاده از حق حبس، هیچ‌گونه تمکینی از مرد نکرده باشد.
■ در خصوص مهریه عندالاستطاعه حق قابل اعمال نیست
■ در صورت اطلاع از عدم تمکن مالی زوج توسط زوجه، حق حبس برای او از بین می‌رود.
■ تقسیت مهر، در صورت استطاعت مالی زوج، مانع اجرای حق حبس نیست.

احتمال نابودی «حق حبس» زیر سنگینی مهریه



نیست. بر این اساس تا دریافت آخرین قسط، زوجه می‌تواند از انجام وظایف خودداری کند.

لازم به ذکر است در مورد مهریه‌هایی که در متن عقدنامه با قید «عندالاستطاعه» ثبت می‌شوند، این مشکل وجود نخواهد داشت. در مهریه عندالاستطاعه اجل و سررسید مشخصی برای پرداخت مهر معین نشده است و پرداخت مشروط به

حصول استطاعت شوهر شده است، به این معنا که زوجه زمانی می‌تواند مهریه خود را مطالبه و مرد را ملزم به پرداخت آن کند که شوهر، استطاعت و توانایی مالی برای پرداخت مهریه را داشته باشد، این در حالی است که اگر مهریه به صورت عندالمطالبه تعیین شده باشد، به محض امضای عقدنامه، زن می‌تواند با مراجعه به محاکم و دادگاه‌های خانواده یا مراجعه به اجرای ثبت، مهریه را قسمتی از آن را مطالبه کند. با توجه به تعریف مزبور، مهریه عندالاستطاعه، مصداق مهر حال مقرر در ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی نیست و بر این اساس حق حبس در مورد آن جاری نخواهد بود. نکته‌ای که در نهایت به نظر می‌رسد در زمینه رأی وحدت رویه شماره ۷۱۸ مذکور مبنی بر امتناع زوجه از مطلق وظایف زوجیت باید مورد توجه بیشتری قرار می‌گرفت، تعیین دایره مصادیق برای مهر حال است. در مواردی که زوج بیش از توان مالی خود اقدام به تعیین مهریه یا قید عندالمطالبه کرده است، در صورتی که زوجه از وضعیت و توان مالی زوج مطلع بوده و علم به عدم استطاعت وی در پرداخت تمام مهریه به صورت حال دارد، به واقع آگاهی زوجه را باید به منزله رضایت ضمنی وی بر مؤجل بودن مهر شمرد و در این صورت چنین مهری نسبت به مازاد بر توان مالی زوج مصداق ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی قرار نمی‌گیرد و نمی‌توان حق حبس را برای زوجه نسبت به تمام مهر جاری دانست. با این تفسیر، تنها در مواردی تقسیت مهر، مانع اجرای حق حبس نخواهد بود که زوج در زمان تعیین مهریه مهر به صورت نکاح از استطاعت پرداخت تمامی مهر برخوردار بوده و پس از آن به دلیلی، توان پرداخت را از دست داده باشد یا اینکه زوجه هنگام عقد، عالم به عدم استطاعت زوج در پرداخت تمام مهر به صورت حال نباشد. با استدلال مذکور، مهریه‌های سنگینی که زوج حین عقد قادر به پرداخت آن نیست و زوجه نیز از این عدم تمکن وی آگاه است، نمی‌تواند حق حبس برای زوجه ایجاد کند و به عبارت دیگر، در چنین مواردی، گویی زوجین از ابتدا قصد مدت‌دار کردن مهریه را نداشته‌اند و چون زوجه آن را پذیرفته، گویا حق حبس خویش را اسقاط کرده است، البته در آرای دادگاه‌های خانواده چنین رویکردی مشاهده نمی‌شود و عموماً آنچه در سند نکاحیه مکتوب شده است، ملاک تعیین حال یا مؤجل بودن مهریه قرار می‌گیرد و تنها در موارد نادر توسط دادگاه چنین حکم شده است.

نسبت به تمام مهر جاری دانست. با این تفسیر، تنها در مواردی تقسیت مهر، مانع اجرای حق حبس نخواهد بود که زوج در زمان تعیین مهریه مهر به صورت نکاح از استطاعت پرداخت تمامی مهر برخوردار بوده و پس از آن به دلیلی، توان پرداخت را از دست داده باشد یا اینکه زوجه هنگام عقد، عالم به عدم استطاعت زوج در پرداخت تمام مهر به صورت حال نباشد. با استدلال مذکور، مهریه‌های سنگینی که زوج حین عقد قادر به پرداخت آن نیست و زوجه نیز از این عدم تمکن وی آگاه است، نمی‌تواند حق حبس برای زوجه ایجاد کند و به عبارت دیگر، در چنین مواردی، گویی زوجین از ابتدا قصد مدت‌دار کردن مهریه را نداشته‌اند و چون زوجه آن را پذیرفته، گویا حق حبس خویش را اسقاط کرده است، البته در آرای دادگاه‌های خانواده چنین رویکردی مشاهده نمی‌شود و عموماً آنچه در سند نکاحیه مکتوب شده است، ملاک تعیین حال یا مؤجل بودن مهریه قرار می‌گیرد و تنها در موارد نادر توسط دادگاه چنین حکم شده است.

در مواردی که زوج بیش از توان مالی خود اقدام به تعیین مهریه یا قید عندالمطالبه کرده است، در صورتی که زوجه از وضعیت و توان مالی زوج مطلع بوده و علم به عدم استطاعت وی در پرداخت تمام مهریه به صورت نکاح از استطاعت پرداخت تمامی مهر برخوردار بوده و پس از آن به دلیلی، توان پرداخت را از دست داده باشد یا اینکه زوجه هنگام عقد، عالم به عدم استطاعت زوج در پرداخت تمام مهر به صورت حال نباشد. با استدلال مذکور، مهریه‌های سنگینی که زوج حین عقد قادر به پرداخت آن نیست و زوجه نیز از این عدم تمکن وی آگاه است، نمی‌تواند حق حبس برای زوجه ایجاد کند و به عبارت دیگر، در چنین مواردی، گویی زوجین از ابتدا قصد مدت‌دار کردن مهریه را نداشته‌اند و چون زوجه آن را پذیرفته، گویا حق حبس خویش را اسقاط کرده است، البته در آرای دادگاه‌های خانواده چنین رویکردی مشاهده نمی‌شود و عموماً آنچه در سند نکاحیه مکتوب شده است، ملاک تعیین حال یا مؤجل بودن مهریه قرار می‌گیرد و تنها در موارد نادر توسط دادگاه چنین حکم شده است.

در مواردی که زوج بیش از توان مالی خود اقدام به تعیین مهریه یا قید عندالمطالبه کرده است، در صورتی که زوجه از وضعیت و توان مالی زوج مطلع بوده و علم به عدم استطاعت وی در پرداخت تمام مهریه به صورت نکاح از استطاعت پرداخت تمامی مهر برخوردار بوده و پس از آن به دلیلی، توان پرداخت را از دست داده باشد یا اینکه زوجه هنگام عقد، عالم به عدم استطاعت زوج در پرداخت تمام مهر به صورت حال نباشد. با استدلال مذکور، مهریه‌های سنگینی که زوج حین عقد قادر به پرداخت آن نیست و زوجه نیز از این عدم تمکن وی آگاه است، نمی‌تواند حق حبس برای زوجه ایجاد کند و به عبارت دیگر، در چنین مواردی، گویی زوجین از ابتدا قصد مدت‌دار کردن مهریه را نداشته‌اند و چون زوجه آن را پذیرفته، گویا حق حبس خویش را اسقاط کرده است، البته در آرای دادگاه‌های خانواده چنین رویکردی مشاهده نمی‌شود و عموماً آنچه در سند نکاحیه مکتوب شده است، ملاک تعیین حال یا مؤجل بودن مهریه قرار می‌گیرد و تنها در موارد نادر توسط دادگاه چنین حکم شده است.

عاطفه ذبیحی
دکتری حقوق خصوصی و پژوهشگر پژوهشگاه قوه قضائیه

پس از اختلافی که میان قضات در مورد دایره مفهومی تمکین در اجرای حق حبس پدید آمد، رأی وحدت رویه شماره ۷۱۸ مورخ ۱۳۲/۱۳۹۰ هیئت عمومی دیوان عالی کشور، امتناع از ایفای مطلق وظایف شرعی و قانونی زوجه را مشمول ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی دانست، البته به دلیل آثار کاملاً متفاوت دو دیدگاهی که مطرح شد، از بررسی برخی از آرای صادرشده از دادگاه‌ها بعد از صدور رأی هیئت عمومی دیوان، مشاهده می‌شود که این اقدام نیز اختلاف موجود در آرای قضایی را به طور کامل پایان نبخشیده و تفکیک میان تمکین عام و خاص در اعمال حق حبس، در برخی آرای محاکم که پس از رأی وحدت رویه صادر شده‌اند، هر چند در موارد محدود، به چشم می‌خورد.

این نکته از مجموع رأی وحدت رویه و ماده ۱۰۸۶ قانون مدنی به دست می‌آید که زوجه‌ای که به حق حبس استناد کرده، از انجام مطلق وظایف زوجیت از جمله رفتن به منزل شوهر معاف است اما در صورتی که زوجه اقدام به تمکین کرد، حق حبس ساقط می‌شود اما در مورد اقدام به تمکین، فعلیت یافتن و تحقق وظایف زوجیت را به طور کامل پایان نبخشیده و تفکیک میان تمکین عام و خاص در اعمال حق حبس، در برخی آرای محاکم که پس از رأی وحدت رویه صادر شده‌اند، هر چند در موارد محدود، به چشم می‌خورد.

این نکته از مجموع رأی وحدت رویه و ماده ۱۰۸۶ قانون مدنی به دست می‌آید که زوجه‌ای که به حق حبس استناد کرده، از انجام مطلق وظایف زوجیت از جمله رفتن به منزل شوهر معاف است اما در صورتی که زوجه اقدام به تمکین کرد، حق حبس ساقط می‌شود اما در مورد اقدام به تمکین، فعلیت یافتن و تحقق وظایف زوجیت را به طور کامل پایان نبخشیده و تفکیک میان تمکین عام و خاص در اعمال حق حبس، در برخی آرای محاکم که پس از رأی وحدت رویه صادر شده‌اند، هر چند در موارد محدود، به چشم می‌خورد.

این نکته از مجموع رأی وحدت رویه و ماده ۱۰۸۶ قانون مدنی به دست می‌آید که زوجه‌ای که به حق حبس استناد کرده، از انجام مطلق وظایف زوجیت از جمله رفتن به منزل شوهر معاف است اما در صورتی که زوجه اقدام به تمکین کرد، حق حبس ساقط می‌شود اما در مورد اقدام به تمکین، فعلیت یافتن و تحقق وظایف زوجیت را به طور کامل پایان نبخشیده و تفکیک میان تمکین عام و خاص در اعمال حق حبس، در برخی آرای محاکم که پس از رأی وحدت رویه صادر شده‌اند، هر چند در موارد محدود، به چشم می‌خورد.

این نکته از مجموع رأی وحدت رویه و ماده ۱۰۸۶ قانون مدنی به دست می‌آید که زوجه‌ای که به حق حبس استناد کرده، از انجام مطلق وظایف زوجیت از جمله رفتن به منزل شوهر معاف است اما در صورتی که زوجه اقدام به تمکین کرد، حق حبس ساقط می‌شود اما در مورد اقدام به تمکین، فعلیت یافتن و تحقق وظایف زوجیت را به طور کامل پایان نبخشیده و تفکیک میان تمکین عام و خاص در اعمال حق حبس، در برخی آرای محاکم که پس از رأی وحدت رویه صادر شده‌اند، هر چند در موارد محدود، به چشم می‌خورد.